



روایت سمانه چهکندی، فوتبالیست محله ارشاد
که ۱۵ سال شماره ۱۱ تیم ملی را بر تن داشت

۵۴

من به فوتبال اعتیاد دارم



رنگ عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

سید محمد محمدی ابرده، فعال فرهنگی و اجتماعی
ساکن محله فرامرز عباسی، به شعار خود عمل می‌کند

مشارکت اجتماعی بیشتر
محله‌ای بهتر



۳ پاسخ شهرداری به ساکنان کشاورز
که از خاکی بودن معابر زوج گلایه دارند
قول آسفالت تا آخر سال

۷ بانوان محله فلسطین با کیک، شیرینی و دسر در
مسابقه کدو حلوائی شرکت کردند
خوراکی‌های نارنجی در پاییز رنگی

همسایه به همسایه، دیدار بیست و یکم، خیابان عارف ۱۹

همسایه ام رانینم صبحم شب نمی شود

صدرا بسیاری از همسایه های خیابان عارف ۱۹ یکدیگر را می شناسند. البته که چند نسل گذشته این همسایه ها ساکنان قدیمی قلعه اند و حواله فرزندانشان، رسم و رسوم قدیم همسایه داری را مثل پدرانشان اجرامی کنند. در این میان سه همسایه را یافتیم که با یکی دو سال تفاوت سنی با هم بزرگ شده اند و روزی نبوده است که از حال هم خبر نداشته باشند. هر کدام هروقت کاری داشته اند، به کمک هم آمده اند؛ از رفع مشکل مالی گرفته تا درست کردن خانه و جابه جایی. کسب و کارشان نیز همین جاست و همسایه ها آن هارا کاسبان مردم دار، با انصاف و با اخلاق محله می دانند.

● با کمک هم خانه دار شدیم

محسن عاکف یکی از شناخته ترین ساکنان اینجاست و اکثر همسایه ها او را می شناسند. آقا محسن معتقد است اینجا اهالی برای هم مثل برادر و خواهر هستند و می گوید: در کوچه ما همسایه از همسایه بدی ندیده و هر کدامشان هم مشکلی داشته اول به همسایه اش گفته است.

او از همکاری قدیمی بین همسایه ها یاد می کند و وقتی که همه دست به دست هم می دادند تا برای همسایه شان خانه درست کنند. گچ و آجر را به دست یکدیگر می رساندند تا کسی بدون خانه نباشد و ادامه می دهد: در گذشته همه همسایه ها با کمک هم خانه دار شدند و در ساخت خانه به یکدیگر کمک کردند. این برای تک تک ما اتفاق افتاده است. با اینکه سال هاست که محدوده خیابان عارف پر شده از مطب پزشکان و بافت قدیم را تغییر داده است، همسایه های قدیمی هنوز همدلی و انسجامشان را حفظ کرده اند. محسن آقا می گوید: احوال پرستی همسایه های ما با اذان صبح شروع می شود و تا نیمه شب ادامه دارد. اگر همسایه ای را در محله و خیابان نبینیم و از حالش با خبر نشویم، صبحان شب نمی شود. بارها شده که حال من خوب نبوده و همین همسایه ها به عیادتم آمده اند و اگر کاری داشته ام، برایم انجام داده اند. این همان لطف و مهر همسایه داری است.

● شیشه بر همه فن حریف

محسن آقا، همسایه دیوار به دیوارش، حیدر راستین را معرفی می کند که او هم ۶۲ سال است در این معبر زندگی می کند. کاسب است و چند خیابان پایین تر شیشه بری دارد. همسایه ها او را آچار فرانسه محله می دانند؛ کسی که هر جا توانسته گره از کار دیگران باز کرده است. محسن آقا درباره او می گوید: هر کس در هر زمینه ای سؤال دارد، اول سراغ حیدر آقا می رود و او هم بی غل و غش پاسخ می دهد. حیدر آقا این را وظیفه خود می داند و می گوید: اگر برای همسایه ای که صبح تا شب چشم در چشم هم هستیم، کار انجام ندهم، به چه کسی باید کمک کنم؟

او تجربه های زیادی از کمک به همسایه ها دارد؛ مثلاً اینکه کار ایزوگام همسایه را راه انداخته یا همسایه دیگری را که پشت در خانه مانده بود، کمک کرده است. او می گوید: همه همسایه ها قبل از اینکه کاری را شروع کنند، پیش من می آیند و از من نظر می پرسند. خیلی وقت ها خودم هم تعجب می کنم و می گویم کار من شیشه بری است. با این حال دست رد به سینه کسی نزده ام و کمک به همسایه و هم نوع را وظیفه خود می دانم.

● دل بزرگ

آب نبات فروش با انصاف

همراه حیدر آقا تانیش خیابان عارف ۱۹ می رویم و او آقا مرتضی حیدری را به ما معرفی می کند که مغازه آب نبات فروشی دارد. حیدر آقا همسایه اش را فردی بی ریا و صادق معرفی می کند و می گوید: آقا مرتضی از مردان نیک روزگار است. انصافش زبانزد همسایه هاست. بارها شده مشتری آمده و استطاعت مالی نداشته ولی او بدون هیچ چشمداشتی کالای مورد نیاز را به او داده و بعد هم او را راهی کرده است. کمک به مساجد محله و فرستادن بسته های قند و آب نبات از دیگر کمک های آقا مرتضی است که از روی دل و به یاد برادرش هیدش انجام می دهد و خیلی وقت ها این کمک ها به صورت ناشناس انجام می شود. آقا مرتضی می گوید: من با همین همسایه ها بزرگ شدم. کنارشان بازی کردم و زمین خوردم. هر وقت از هر کدام کمک خواستم، جواب نه نشنیدم. من هم مثل آن ها هر کار و کمکی از دستم برآید برایشان انجام می دهم. آن ها مثل برادرم برای من عزیز هستند.



همسایه به همسایه



شهر خبر



آسفالت نو بر تن معبر محله سنا باد

در ادامه روند بهسازی معابر و رسیدگی به درخواست های مردمی در سامانه ۱۳۷، عملیات روکش آسفالت در خیابان شهید اسدا... زاده ۶ در محله سنا باد اجرا شد. این پروژه در مساحت ۱۳۰ متر مربع با هفده تن آسفالت اجرا شده است. به منظور بهبود وضعیت عبور و مرور شهروندان، لکه گیری در بخش های مختلف معابر منطقه انجام می شود.

تلفیق آموزش و اقتصاد

در راستای ترویج سبک زندگی سالم و حمایت از کسب و کارهای محلی، نشست آموزشی با عنوان «تغذیه سالم و انتخاب مواد غذایی طبیعی»، در مسجد المهدی (عج) محله فلسطین برگزار شد. در این رویداد که با استقبال بانوان محله همراه بود، شرکت کنندگان با مربیانی استفاده از محصولات ارگانیک و روش های تشخیص مواد غذایی سالم آشنا شدند. ویژگی مهم این نشست، تلفیق آموزش با حمایت عملی از بانوان کارآفرین بود. در حاشیه این مراسم، محصولات غذایی سالم و خانگی از جمله سوسیس و کالباس ارگانیک که توسط خود بانوان محل تولید شده بود، به صورت مستقیم عرضه شد و مورد توجه حاضران قرار گرفت.

با حضور مدیران شهری
از همسران جانبازان منطقه یک قدردانی شد

خداقوت به همسفران ایثارگران

صفائی به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار، رویداد «همسفر ایثار» با هدف تجلیل از همسران جانبازان بالای هفتاد درصد، به عنوان نمادهای صبر و استقامت، در منطقه یک شهرداری برگزار شد.

در این مراسم که با حضور شهردار، رئیس بنیاد شهید، معاونان شهرداری و اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه یک برپا شد، محمود برهانی، شهردار منطقه، با اشاره به نقش بی بدیل همسران جانبازان در حمایت از خانواده و تداوم روحیه ایثارگری در جامعه گفت: این بانوان، الگوهای راستین فداکاری و مقاومت هستند.



بیشتر می‌کردند و تاستون‌های برق می‌کشیدند، این قدر مشکل نداشتیم.

● رفت و آمد زمستانی بچه‌ها از لای گل و شل

در کنار آسفالت نه چندان مناسب خیابان اصلی، همه خیابان‌های فرعی زوج از فرعی ۷/۲ تا فرعی ۷/۱۶ خاکی و فاقد زیرسازی و شن‌ریزی مناسب هستند. حسن فدایی، یکی از ساکنان این ساختمان‌ها، می‌گوید: در گذشته، شهرداری با این استدلال که چون بافت مسکونی تکمیل نشده و تعداد خانه‌ها کم است، آسفالت کردن کوچه را موکول به آینده کرد. حالا که خانه‌های بسیاری ساخته شده است، شهرداری دیگر بهانه‌ای ندارد.

فدایی با اشاره به فصل بارندگی پیش‌رو می‌افزاید: چرا بچه‌های ما باید زمستان‌ها از بین یک و جب‌گل ولای به مدرسه بروند؟ حالا در روستاها هم خیابان خاکی وجود ندارد. اگر شهرداری بود چه آسفالت ندارد، حداقل چند ماشین گراوین و شن در کوچه‌ها بریزد تا فصل زمستان در گل‌ولای فرو نرویم.

● گرد و خاک، مهمان کارگاه‌های کشاورز ۷

آسفالت خیابان کشاورز ۷ نیز تا اولین چهارراه ادامه پیدا کرده اما از آنجایی که بعد از خاکی است، با اینکه زیرسازی کف آن انجام شده، تا امروز آسفالت نشده است. محمدرضانوری، یکی دیگر از ساکنان خیابان، می‌گوید: به دلیل وجود کارگاه‌های صنعتی و چوبی، خودروهای سنگین زیادی در این محدوده خاکی تردد دارند و این رفت و آمد با گرد و خاک زیادی همراه است. خیابان‌های کشاورز ۱۳ و ۵ تا چهارراه دوم و سوم آسفالت شده که رضایت ساکنان و صاحبان مشاغل کارگاهی را به همراه داشته است.

نوری که طرح آسفالت خیابان را پیگیری می‌کند، می‌افزاید: بعد از دو سال پیگیری و جمع‌آوری استشهاد محلی و بازدید چند هفته قبل مسئولان شهرداری منطقه ۲ از این خیابان، وضعیت آن تغییری نکرده است و ما همچنان منتظر آسفالت هستیم.

● پیمانکار پروژه گرفته شده است

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۲ بعد از شنیدن مشکلات مردم می‌گوید: آسفالت و جدول‌کشی فرعی‌های زوج خیابان کشاورز ۷ از برنامه‌های عمرانی سال جاری است. بودجه آن تأمین و پیمانکار پروژه انتخاب شده است.

رضا فضلیان می‌افزاید: عملیات اجرایی طرح به زودی شروع و معابر خاکی این خیابان تا پایان سال جدول‌کشی و آسفالت خواهد شد.



● آسفالت خیابان اصلی کامل نیست

خیابان کشاورز ۷ آسفالت شده است و در نگاه اول مشکلی ندارد اما با کمی دقت می‌توان دید که یک متر از عرض خیابان آسفالت نشده و خاکی است. این بخش کوچک خاکی که تا انتها و به موازات خیابان ادامه دارد، دلیل گرد و خاک همیشگی این خیابان است. قربان صالح، از ساکنان این معبر، می‌گوید: خودروها هنگام عبور از اینجا برای جلوگیری از برخورد و تصادف با خودرو جلویی وارد همین شانه خاکی می‌شوند و به دنبال آن، گرد و خاک زیادی به هوا بلند می‌شود. این اتفاق بارها در طول روز و شب تکرار شده است و گرد و خاک آن به همه جا پخش می‌شود.

او می‌گوید: این گرد و خاک مداوم از پنجره‌ها و توری‌های گذرو وارد خانه می‌شود. ماحتی در گرمای شدید تابستان جرئت بازکردن پنجره‌های خانه به مدت طولانی را نداریم. گرد و خاک نشسته روی پرده‌ها، لباس‌ها و فرش‌ها همسایه‌ها را کلافه کرده است.

صالح می‌افزاید: اگر به اندازه همان یک متر، عرض آسفالت را

پاسخ شهرداری به ساکنان کشاورز ۷
که از خاکی بودن معابر زوج گلایه دارند

قول آسفالت تا آخر سال

حسین برداران فرامعابر فرعی خیابان کشاورز ۷ واقع در بولوار کشاورز، وضعیت دوگانه‌ای دارد. فرعی‌های فرد این خیابان آسفالت شده‌اند، جدول‌کشی و مرتب هستند؛ اما در مقابل، فرعی‌های زوج، با وجود ساخت و ساز و سکونت شهروندان، بدون آسفالت و خاکی باقی مانده‌اند. از این گذشته، یک متر از عرض خود خیابان کشاورز ۷ آسفالت نشده و خاکی است.

این مشکلات، پیگیری‌های یک ساله اهالی را به دنبال داشته. اما همچنان این معضلات پابرجاست. خاکی بودن و گرد و غبار همیشگی این کوچه‌ها، موجب نارضایتی شهروندان ساکن این خیابان شده است.



زیباسازی چهره شهر

در ادامه طرح‌های ارتقای بهداشت شهری و مقابله با فعالیت‌های غیرمجاز، میزان شایان توجهی از ضایعات جمع‌آوری و واحدهای متخلف در این زمینه در منطقه ۲ سامان دهی شد. در اجرای این طرح که همراه سال جاری اجرا شد، ۶۳۲ کیسه پستی و ۸۰۸ گاری حمل ضایعات جمع‌آوری، ۱۴۰ واحد صنفی و انبار ضایعات غیرمجاز شناسایی و پلمب و بیش از ۶ هزار کیلوگرم ضایعات جمع‌آوری و به مراکز رسمی پسماند انتقال داده شد. هدف از اجرای این عملیات، کاهش آسیب‌های اجتماعی، جلوگیری از گسترش فعالیت‌های غیرقانونی در حوزه پسماند و بهبود چهره و بهداشت شهر است.

برنامه‌ای متفاوت برای دانش‌آموزان محله بهاران

کلاس خوش‌نویسی دانش‌آموزان هفتم مؤسسه آموزشی «ثامن نور توس» در محله بهاران این بار متفاوت با همیشه برگزار شد.

وحید ستاری، دبیر خوش‌نویسی این مؤسسه، گفت: این کلاس به مناسبت هفته خوش‌نویسی به صورت ویژه و در سالن مطالعه مدرسه برگزار شد تا دانش‌آموزان از نکات آموزشی به بهترین شکل ممکن بهره‌مند شوند.

ستاری برای اینکه دانش‌آموزانش به این هنر بیشتر از گذشته علاقه پیدا کنند، برای آن‌ها بسته‌ای کوچک آماده کرد که درون آن یک قلم نی قرار داشت. او در ادامه توضیح می‌دهد: این کار برای این است که بچه‌ها بعد از تمرین با قلم الخطاط، سراغ قلم نی نبروند و به این هنر علاقه بیشتری نشان دهند.



فرماندهان ناحیه مقاومت بسیج عمار
به دیدار پرستاران شاغل در منطقه ۲ رفتند

قردانی از سفیدپوشان

به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری (س) و روز پرستار، فرماندهان حوزه ۲ عمار و حوزه ۲ حضرت فاطمه (س) ناحیه مقاومت بسیج عمار با حضور در بیمارستان مادر، درمانگاه شوریده و بقیه... (س) با اهدای گل و نبات تبرک حرم مطهر رضوی از زحمات و تلاش‌های پرستاران این مراکز قردانی کردند. محمد مصطفی قنبری ضمن تبریک روز پرستار، از تلاش‌های شبانه‌روزی این گروه درمانی در ارائه خدمات فداکارانه به بیماران قردانی کرد. فرمانده حوزه ۲ عمار با اشاره به نقش مهم پرستاران در ارتقای سلامت جامعه گفت: در خط مقدم نظام سلامت، پرستاران قرار دارند و با عشق و تعهد، آرامش و امید را به بیماران هدیه می‌کنند.



روایت سمانه چهکندی، فوتبالیست محله ارشاد
که ۱۵ سال شماره ۱۱ تیم ملی را بر تن داشت

من به فوتبال اعتیاد دارم

میترا صدرا هیچ صدایی برای آرمش بخش تراژ بر خورد توپ با پایش نیست. برای او همه چیز از یازده سالگی آغاز شد: روزی که دبیر ورزش مدرسه اش پیشنهاد کرد در تست فوتبالی شرکت کند که برای دانش آموزان علاقه مند برگزار می شد. همان روز، همان آزمون، مسیر زندگی سمانه چهکندی را تغییر داد. او نمره قبولی گرفت و به تیم فوتسال آموزش و پرورش ناحیه ۴ پیوست؛ نقطه ای که بهانه شد تا رؤیای کودکی اش رنگ واقعیت بگیرد.

سمانه چهکندی، متولد هشتم فروردین ۱۳۶۸ و ساکن محله ارشاد است. پارکینگ های محوطه ششصد دستگاه نخستین زمین بازی اش بودند. همان جابو که عشق به فوتبال در وجودش ریشه دواند. سال هاست پیراهن شماره ۱۱ تیم ملی و تیم خاتون بم را بر تن دارد؛ در پست هافبک راست می درخشد و نامش در میان بهترین های لیگ برتر و مسابقات بین المللی دیده می شود.

از جدول های سبز محله تا زمین سبز ورزشگاه

سمانه در خانواده ای ورزش حرفه ای را دنبال کرد که هیچ کدام اهل ورزش نبودند. تنها برادرش که دو سال از سمانه بزرگ تر است، در همان پارکینگ های محوطه ششصد دستگاه گاهی با دوستانش فوتبال بازی می کرد و سمانه هم کنار جدول فضای سبزی می نشست و بازی آن ها را نگاه می کرد. سمانه می گوید: من از همان کودکی به فوتبال علاقه زیادی داشتم. هر وقت برادر می خواست با دوستانش در پارکینگ محوطه بازی کند، به هوای بازی با دخترها پایین می رفتم، ولی به جای بازی های دخترانه، خودم را در زمین فوتبال می دیدم. هر بار که بازی برادر و دوستانش تمام می شد، توپ را برمی داشتم و خودم را به دروازه روبه رومی رساندم و گل می زدم. سمانه برای تمریناتش چالش های بسیاری داشته است. اومی گوید: پدرم سال های اول خیلی سخت گیری می کرد و دوست نداشتم سراغ فوتبال بروم؛ به من می گفت درسم را جدی تر دنبال کنم. من هم مجبور می شدم لباس های تمرینم را داخل کوله مدرسه بریزم و بدون هماهنگی با پدرم برای تمرین بروم. با اینکه پدر و مادرش چندان رضایت نداشتند، حالاکه سمانه مقام های قهرمانی بسیاری به دست آورده و در مسابقات بین المللی این رشته شرکت کرده است. به او افتخار می کنند. اومی گوید: در سال های اخیر پدرم خودش تابلویی درست کرده است و هر بار در مسابقه یا تورنمنتی پیروزی می شوم، مدال را روی آن می چسبانم و برایم گنجینه مدال درست کرده است. او به من افتخار می کند که راهم را با همه چالش هایش ادامه داده ام.



۱

داستان جلد

تجربه مستطیل سبز از ۱۸ سالگی

سمانه هم زمان با بازی در لیگ برتر درست زمانی که هجده سال داشته به تیم ملی فوتسال دعوت می شود. اومی گوید: مربی تیم اوکراینی بود و به من گفت تو خیلی خوب هستی و انرژی بالایی داری، ولی هنوز تجربه لازم برای حضور در تیم ملی را نداری. پروتلاش کن و سال های بعد در تیم ملی ماندگار شو. صحبت های این مربی خیلی برایم ارزشمند بود و بعد از کسب تجربیات بیشتر از سال ۸۹ تا ۹۱ عضو ثابت تیم ملی فوتسال بانوان کشور شدم.

اواز هجده سالگی و بعد از تشکیل لیگ فوتبال بانوان راهی مستطیل سبز شد. جایی که همیشه آرزو داشت روی آن بازی کند. اومی گوید فوتبال را هم زمان با فوتسال شروع کردم و در تیم ملی فوتسال توپ می زدم. ولی بعد از مدتی مسئولان گفتند بین فوتسال و فوتبال یکی را انتخاب کنیم و انتخاب من هم فوتبال بود. آن ها از من خواستند هر وقت تیم ملی فوتبال بانوان شکل گرفت، در آن تیم حاضر شوم تا حق دخترانی که فوتسال بازی می کنند، گرفته نشود.

البته که سمانه در همین حضور کوتاه در تیم ملی فوتسال ایران، توانست همراه با هم تیمی هایش مقام قهرمانی مسابقات غرب آسیا و مقام سومی را در تورنمنت روسیه به دست آورد.

زندگی ورزشی، آغاز ماجرا

سمانه فوتبال حرفه ای را از دوران راهنمایی شروع کرد. یازده ساله بود که در مدرسه شهید ای بانک صادرات، زمان بازی والیبال، به جای دست، از پا استفاده می کرد. اومی گوید: استفاده از پا زمان بازی والیبال، جذابیت زندگی ورزش را برایم بیشتر کرده بود. خانم سیگاری، دبیر ورزشم، متوجه علاقه من به فوتبال شد و به من خبر داد که در دبیرستان فاضله تست فوتسال می گیرند. خانم غلامی آنجا مسئول گرفتن تست از دخترها بود؛ همان دفعه اول آزمون را قبول شدم و توانستم به مسابقات آموزش و پرورش و تیم ناحیه ۴ راه پیدا کنم. سه سال راهنمایی و دبیرستان را همراه با تیم منتخب ناحیه ۴ آموزش و پرورش در مسابقات بین مدارس و نواحی شرکت می کردم و مقام های مختلفی در این مسابقات همراه تیم به دست می آوردم. ولی وقتی همه چیز برایم خیلی جدی تر می شود که از طریق تیم مدرسه، جذب تیم های فوتسال مشهد می شود. اومی گوید: همراه با خانم غلامی توانستیم تیم فوتسال آموزش و پرورش را راه بیندازیم و بعد از قهرمانی در لیگ دسته یک به لیگ برتر راه پیدا کردیم.



۱۴ سال دوری از مشهد



مسیر فوتبالی سمانه باتیم بال گستر مازندران در لیگ برتر شروع و بعد از قهرمانی با این تیم، به تیم ملی فوتبال بانوان کشور دعوت شد. سمانه تا همین یک سال پیش، عضو تیم ملی کشور بوده است. ولی امسال از او دعوت نکردند که به این تیم پیوندد. اومی گوید: مسئولان از من خواستند که باتوجه به سنم، فشار برای جوان ترها باز کنم. حضور در تیم ملی فوتبال بانوان ایران برایم بسیار ارزشمند بوده است. امیدوارم بتوانم در مسابقات بین المللی، بازی خدا حافظی خوبی باتیم ملی داشته باشم.

او حالا سال هاست که عضو تیم خاتون بم است. چهارده سال دوری از مشهد برای سمانه کنار تجربه های ارزشمند، سختی های خاص خودش را هم داشته است. اومی گوید: به خاطر علاقه ای که به فوتبال ورسیدن به اهدافم داشتم و دارم، چهارده سال است که در بم زندگی می کنم و همراه این تیم، قهرمانی های بسیاری به دست آورده ام. مشهد با وجود استعداد های درخشانش متأسفانه نتوانسته یک تیم در لیگ برتر داشته باشد. همین باعث می شود که دختران مشهدی در تیم های سراسر کشور پخش شوند. جای یک تیم خوب از مشهد در لیگ برتر خالی است و امیدوارم مسئولان این شهر، نگاه ویژه تری به دختران فوتبالیست اینجاست داشته باشند.

هنوز برای خدا حافظی زود است



سمانه چند وقتی است که به خدا حافظی با مستطیل سبز فکر می کند؛ ولی دوری از این میدان و هیجان فوتبال برایش خیلی سخت است. اومی گوید: بعضی وقت ها به خودم می گویم بازی را کنار بگذارم و خستگی رفع کنم؛ ولی زمانی که یک هفته تمرین نمی کنم، آن چنان حالم بد می شود که تمام این افکار را دور می ریزم. فوتبال سال هاست که بخشی از هویت من شده است و نمی توانم به این راحتی ها آن را کنار بگذارم. او حالا که به پایان دوره بازی اش نزدیک شده است، می خواهد برای مربیگری برنامه ریزی کند و در این حوزه هم تجربه هایی دارد. اومی گوید: تجربیاتی که در این سال ها در میادین مختلف کسب کرده ام، کمک می کند تا با اعتماد به نفس بیشتری سراغ مربیگری بروم و در این سال ها دوره مربی المپیاد دختران کمتر از چهارده سال بوده و نتوانسته ام با این تیم برای اولین بار مقام سوم کشوری را به دست آورم. همچنین تجربه ای باتیم کیان نیشابور دارم و به عنوان مربی و بازیکن در این تیم فعالیت داشتم و نتوانستم این تیم را به لیگ برتر کشور بیاورم.

یکی از آرزوهای مهم سمانه این است که پدر و برادرش در دیدار خدا حافظی او حضور داشته باشند و برای اولین بار به صورت مستقیم بازی او را در استاد یوم ببینند.



بخشی از کارنامه ورزشی سمانه چهکندی

- کسب مقام سومی در اولین دوره مسابقات فوتبال کشورهای مسلمان در ایران، سال ۱۳۸۷
- کسب مقام سومی در تورنمنت روسیه باتیم ملی فوتسال کشور در روسیه، سال ۱۳۸۹
- کسب مقام قهرمانی غرب آسیا باتیم ملی فوتسال در بحرین، سال ۱۳۹۰
- اخذ مدرک مربیگری بدن سازی پیشرفته فوتسال، سال ۱۳۹۱
- صعود به مرحله دوم مقدماتی المپیک توکیو در تایلند، سال ۱۳۹۷
- حضور برای اولین بار در فوتبال جام ملت های آسیا در ازبکستان، سال ۱۴۰۰
- صعود به مرحله دوم مقدماتی فوتبال المپیک پاریس در میانمار، سال ۱۴۰۲
- عضویت در تیم ملی بانوان به مدت ۱۵ سال
- عضویت در تیم ملی فوتسال بانوان به مدت ۳ سال
- کسب ۹ مقام قهرمانی در لیگ برتر فوتبال بانوان باتیم خاتون بم

ملیکا خاطره تلخ زندگی ورزشی من است



همه قهرمانی ها و مسابقات بین المللی، برای سمانه پر از خاطرات خوب است. صعود تیم ملی بانوان برای اولین بار به جام ملت های آسیا، صعود به مرحله دوم مقدماتی المپیک توکیو همراه باتیم ملی و سایر افتخاراتی که در این سال ها به دست آورده، هر لحظه اش برای او خاطره است. اما خاطره تلخ او در این سال ها، از دست دادن هم تیمی و هم اتفاقی اش در تیم خاتون بم، ملیکا محمدی است. سمانه با بغض می گوید: ملیکا ساکن آمریکا بود و به ایران آمده بود تا برای تیم ملی کشورمان بازی کند. چند سالی که در ایران بود، به تیم خاتون بم پیوست و هم اتفاقی بودیم. او بر اثر تصادف فوت کرد. در این مدت که همراه هم بودیم، درس های زیادی از او یاد گرفتیم و از دست دادنش تلخ ترین خاطره زندگی ورزشی من است.

دختران تیم ملی را حمایت کنیم



● نوجوان که بودی، کجاها تمرین می کردی و برای رسیدن به لیگ چقدر تلاش کردی؟

باید خیلی تلاش کرد به ویژه در مشهد. من روحیه جنگجویی دارم و برای رسیدن به هدفم از هیچ تلاشی دست بر نمی دارم. آن زمان برای تمرین، زمین چمن در اختیار دخترهای مشهدی قرار نمی گرفت. تنها سالی که می توانستیم در آن تمرین کنیم، سالن کوثر در قاسم آباد بود. راه دور بود و من هم نوجوان بودم؛ با این حال هیچ وقت تمرین را رها نکردم. به بوستان ملت می رفتم و بخشی از تمریناتم را آنجا انجام می دادم. علاوه بر این همراه پدر و مادرم در همین محدوده ششصد دستگاه و در فضای سبز آن یاروی آسفالت، تمرین می کردم. برای رسیدن به تیم ملی و بازی در لیگ دسته یک، هر کاری از دستم بر می آمد، انجام دادم و خوشحالم که جایی برای افسوس نگذاشته ام. در حال حاضر دخترها امکانات بیشتری در اختیار دارند. از سالن بدن سازی گرفته تا زمین چمن.

● فوتسال یا فوتبال؛ کدام را بیشتر دوست داری؟

درست است که با فوتسال شروع کردم، ولی از همان اول به فوتبال علاقه داشتم. به نظرم فوتسال برای تفریح خوب است و باید فوتبال را به صورت حرفه ای دنبال کرد. این ورزش را به خاطر هیجانش دوست دارم. به قول دوستانم اگر از من آزمایش اعتیاد بگیرند، مشخص می شود که به فوتبال اعتیاد دارم. چون رشته ای هیجانی است که تحرک زیادی دارد. هیجان این رشته آن قدر زیاد است که حتی کسانی که خودشان این رشته را بازی نمی کنند، زمانی که تیم ملی مسابقه دارد، پای تلویزیون می نشینند و رقابت را نگاه می کنند. همین هیجان باعث شد که از کودکی به این رشته علاقه پیدا کنم و نتوانستم در آن موفق شوم. اگر به گذشته برگردم، باز هم این رشته را انتخاب می کنم.

● چقدر در مشهد تو را می شناسند؟

باتوجه به اینکه بازی های ما از تلویزیون پخش نمی شود، چندان شناخته شده نیستیم و تعداد کمی از فوتبالی ها من را می شناسند. خیلی از دخترها حتی هنوز نمی دانند که بانوان می توانند فوتبال بازی کنند و به تیم ملی دعوت شوند.

● دوست داری چه کاری برای هم محلی هایات انجام دهی؟

دوست دارم به مدرسه ام، شهدای بانک صادرات بروم و اگر دانش آموزان آنجا به این رشته علاقه داشتند، راهنمایی شان کنم که چطور این مسیر را دنبال کنند. خودم از همان جاشروع کردم و این را برای هم محلی های نیز می خواهم.

● از مسئولان مشهد چه خواهسته ای داری؟

از مسئولان شهر می خواهم که بیشتر هوای ورزشکاران به ویژه ورزش بانوان را داشته باشند. دختران جوانی که این رشته را انتخاب می کنند، نیاز به حمایت مسئولان و دیده شدن دارند. از طرفی می خواهم دخترانی را که از مشهد به تیم ملی راه پیدا کرده اند، در سازمان های مختلف استخدام کنند. این اقدام برای تعدادی از همبازی هادر شهرهای دیگر انجام شده است.



راه تجربه

سید محمد محمدی ابرده، فعال فرهنگی و اجتماعی ساکن محله فرامرز عباسی، به شعار خود عمل می‌کند

مشارکت اجتماعی بیشتر، محله‌ای بهتر

حسین برادران فراسید محمد محمدی که از بیست سال قبل ساکن محله فرامرز عباسی شده، به عنوان یک خبرنگار و فعال خبری، همواره انعکاس دهنده مشکلات این محله بوده است. او به عنوان صاحب امتیاز و مدیر مسئول پایگاه خبری «صبح مشهد» در انتشار و بیان معضلات کلان شهری، آلودگی هوا، ترافیک و کمبود آب نیز نقش پررنگی داشته است. شعار او که رئیس شورای اجتماعی محله نیز هست، داشتن محله و شهری بهتر و زیباتر با مشارکت همه شهروندان است.

ارثیه‌ای به نام مسئولیت اجتماعی

سال ۱۳۵۸ در خانواده‌ای فرهنگی با پدر و مادری معلم به دنیا آمد. سید محمد با اشاره به نقش مهم تربیتی والدینش می‌گوید: مادرم معلم قرآن بود و تربیت قرآنی او از کودکی تا امروز در روحیات و خلقیاتم بروز و نمود داشته است. مرحوم پدرم، سید حسین محمدی، در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت پررنگی داشت. حضور او در راهپیمایی‌های زمان شاه، جبهه و نماز جمعه، از او فردی اجتماعی و مسئولیت‌پذیر ساخته بود. در تدریس بسیار فعال و پیگیر وضعیت تحصیلی شاگردانش بود.

علاقه‌اش به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی را مدیون پدرش می‌داند و با ذکر خاطره‌ای در این باره می‌گوید: سال ۱۴۰۳ که پل انتهای خیابان سمیه بعد از پیگیری‌های چند ماهه چند نفر از ما اهالی افتتاح شد، پدر خیلی دوست داشت در این مراسم حاضر باشد. اتفاقاً همان روز افتتاحیه از بیمارستان زنگ زدند و گفتند پدرم فوت کرده است. من این را نشانه‌ای برای خودم دانستم و معتقدم که بارفتن پدر، مسئولیت اجتماعی و فرهنگی‌ام بیشتر شده است.

معمد محله در جوانی

خانواده سید محمد محمدی در دوران نوجوانی او ساکن محله طالقانی در منطقه ۹ بودند. محمد نوجوان همان زمان به دلیل ارتباط با پایگاه بسیج مسجد محله به عرصه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی وارد شد. او می‌گوید: پاتوق مامسجد قدس محله طالقانی بود. همراه تعدادی از نوجوان‌های محله در گشت‌های شبانه، امنیت محله را تأمین می‌کردیم. آن زمان نیروی انتظامی به تازگی تأسیس شده بود. من و همراهم دوازده تا چهارده سال سن داشتیم و بعضی وقت‌ها شهروندان، ما را با بچه‌های پرسروصدای داخل کوچه اشتباه می‌گرفتند.

محمد نوجوان همیشه پای ثابت برگزاری مراسم مذهبی مسجد محله بود و هرکاری از دستش برمی‌آمد، انجام می‌داد. او با یادآوری خاطره شب ولادت امام زمان (عج) می‌گوید: دو شب مانده به ولادت امام زمان (عج) اعلام شد که پول برای خرید شیرینی و پذیرایی نداریم. در محله راه افتادم و از مغازه دارها درخواست همیاری کردم. مرحوم موسوی، صاحب شیرینی فروشی جام عسل، شیرینی مجلس آن شب را تقبل کرد.

محمد در سن جوانی به فرد مورد اعتماد محله تبدیل شده بود و خانواده‌ها برای تحقیق ازدواج و استخدامی ادارات، نشانی او را می‌دادند. محمد نیز با رعایت عدالت، حقیقت را بیان می‌کرد. او که از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ در خدمت سربازی بود، به عنوان نماینده سربازان پادگان انتخاب شده بود و از حق و حقوق آنان دفاع می‌کرد.

شهری با اتفاق‌های خوب

سید محمد بعد از دوران سربازی به عنوان دانشجوی رشته حقوق قضایی در دانشگاه پیام نور بیرجند پذیرفته شد. چند سالی که ساکن این شهر بود، اتفاقات خوبی برایش رخ داد که ازدواج مهم‌ترینشان بود. محمدی می‌گوید: با همسرم در دانشگاه آشنا شدیم و در همان شهر ازدواج کردیم. مادر یک سوئیت چهل متری اجاره‌ای زندگی می‌کردیم و با همراهی همسر، سال‌های خوب و شادی داشتیم.

او سال ۱۳۸۷ در جشنواره حضرت علی اکبر (ع) عنوان جوان برگزیده شهر بیرجند را در حوزه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی کسب کرد؛ جایزه مایک سفریاری به مکه از سوی رهبر معظم انقلاب بود و به همراه همسر به حج مشرف شدیم. در سال‌های حضورش در این شهر به عنوان خبرنگار روزنامه محلی «آوای بیرجند» که بعدها به نام «آوای خراسان جنوبی» مشهور شد، مطلب می‌نوشت. همچنین به عنوان خبرنگار روزنامه خراسان در خراسان جنوبی، انعکاس دهنده مشکلات و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی این منطقه بود. مدتی نیز خبرنگار شبکه تلویزیونی تازه تأسیس خراسان جنوبی، شبکه خاوران بود. او سرانجام بعد از پایان تحصیلات، سال ۱۳۹۲ به مشهد بازگشت. سید محمد محمدی با توجه به پیش زمینه خبری که در دوران دانشجویی داشت، سال ۱۳۹۲ مجوز سایت خبری «صبح مشهد» را گرفت و در سال ۱۳۹۴ فعالیت این سایت به صورت رسمی آغاز شد و هنوز مدیر مسئول این سایت خبری است.

همسایه‌ای که کارش برای رضای خداست

علی محمدی که بیش از ۱۰ سال است همسایه سید محمد محمدی است، از او به عنوان یک همسایه خوب و همراه یاد می‌کند. او می‌گوید: در این ۱۰ سال، ایشان همواره رفتاری متواضع و مهربان با همه همسایه‌ها داشته است. همیشه جویای احوال ماست و رفع مشکلات شخصی اهالی را به طور جدی پیگیری می‌کند.

این همسایه قدیمی در ادامه می‌افزاید: آقامحمد برای رفع مشکلات عمومی محله نیز بسیار فعال و پیگیر است. با وجود وقتی که برای این کارهای گذارد، هیچ‌گاه به دنبال تعریف و تمجید دیگران نبوده و همیشه کاری‌ادعا و برای خشنودی خدا را ترجیح می‌دهد.

کاربلد و کارراه انداز

جواد سروری، از نمازگزاران فعال و دست‌اندرکاران امور مسجد عمار یاسر، کاربلدی و توانایی مدیریت کارها را از ویژگی‌های برجسته سید محمد محمدی می‌داند.

او می‌گوید: در طرح اسکان زائران پیاده در مدرسه شهید افشاری که از چند سال گذشته آغاز شده، مسئولیت مدیریت و رسیدگی به امور زائران، اعم از زیارت، اسکان، تغذیه و حتی استفاده از حمام، بر عهده ایشان بوده است. سروری با اشاره به سابقه بیست ساله محمدی در مدیریت کاروان‌های حج، تأکید می‌کند: او با کاربلدی و مهارت فوق‌العاده خود، امور جمعیتی بین هفتصد تا هزار زائر پیاده را به بهترین شکل سامان دهی و مدیریت می‌کند. این کاری است که از عهده هرکسی بر نمی‌آید.



بانوان محله فلسطین با کیک، شیرینی و دسر در مسابقه کدو حلوائی شرکت کردند

خوراکی های نارنجی در پاییز رنگی

عیدگاه

طول سال برای میوه یا محصولات هر فصل به همه کمک می کند تا از هم نکات آشپزی و سلامت یاد بگیرند و کنار هم روزی خوش طعم و مزه را تجربه کنند.

● سلامت کودکان، اولویت تولیدات خانگی

کمی آن طرف تر از محصولات کدو حلوائی، میزی قرار دارد که انواع کالباس و سوسیس دست ساز را روی آن چیده اند. سمیرا بدشابی یکی دیگر از بانوان محله فلسطین است که محصول سالم و دست سازش را برای ارائه آورده و می گوید: مشاور طب سنتی هستم و می دانم کودکان چقدر به این محصولات علاقه دارند. چند ماهی به فکر تولید این محصول به صورت خانگی بودم و باتشویق همسر سرآغ آموختن آن رفتم و حالا با داشتن سه پسر کوچک، این محصولات را تولید می کنم.

سمیرا از خانم داعی، فرمانده پایگاه بسیج مهدیه، تشکر می کند و ادامه می دهد: برگزاری این جشنواره و حمایت از خانم های کارآفرین به رشد آن ها و تولید محصولات بهتر کمک می کند.

محبوبه داعی، فرمانده پایگاه بسیج مهدیه، این برنامه را طراحی و با کمک سایر خانم های محله اجرا کرده است. او می گوید: برگزاری این دست برنامه ها یا اردوهای فصلی کمک می کند بانوان محله بیشتر با هم ارتباط بگیرند و به هم در تولید محصولات مفید کمک کنند. در حاشیه این برنامه و به مناسبت روز پرستار از بهناز بهشتی، پرستار ساکن این محله، قدردانی شد.

که با کدو حلوائی این محصولات را درست می کنم. کدو فیبر زیادی دارد و برای رشد مناسب است. اکثر بچه ها وقتی شکل و ظاهرش را می بینند، علاقه ای به خوردن آن ندارند؛ ولی وقتی با آن کیک، سوپ یا کوکی درست می کنیم به راحتی آن را می خورند.

● دسر خوش طعم نارنجی

الهه اسماعیلیان دسر کدو حلوائی درست کرده است. شیر، خامه، کدو و مغزیجات مواد اولیه این دسر هستند. او آن را با غنچه گل محمدی و مغز بادام تزئین کرده است و می گوید: کدو حلوائی سرشار از ویتامین های A, C, E است که به رشد و ایمنی کمک زیادی می کند. خیلی ها آن را دوست ندارند ولی وقتی این محصول پر خاصیت را تبدیل به دسر یا کیک می کنیم، همه آن را با جان و دل می خورند. الهه خانم توصیه ای هم دارد و می گوید: اجرای این برنامه ها در

صدرا کیک، شیرینی، کلوچه، دونات و انواع دسر نارنجی روی میز چیده شده است. بانوان محله فلسطین توانستند سه شنبه هفته گذشته با خلاقیتشان، کدو حلوائی را تبدیل به محصولات متنوع خورده و خوشمزه کنند تا این خوراکی پر خاصیت به خانه ها راه پیدا کند.

در این دورهمی دوستانه که در نیمه پاییز و هم زمان با سالروز ولادت حضرت زینب (س)، در مسجد المهدی (عج) محله فلسطین برگزار شد، بانوان دستور پخت های خود را به یکدیگر ارائه کردند.

● برای دورهمی شب های زمستانی

کدو حلوائی پایه اصلی همه خوراکی هایی است که خانم ها با خلاقیت و سلیقه درست کرده و روی میز چیده اند. صدیقه اسلامی هفتاد سال دارد و از طریق کانال اطلاع رسانی مسجد متوجه برگزاری این جشن شده است. کیک و دسر را با کمک دخترانش آماده کرده و برای شرکت در این جشن آورده است. او می گوید: کدو حلوائی خواص زیادی دارد و به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک می کند و به قول قدیمی ها داروی پاییز و زمستان است. جوان تر که بودم، وقتی فصل کدو می شد، آن را خشک می کردم و زمستان ها تنف می دادم و کمی گرد و رویش می ریختم تا شب های زمستان وقتی همه دور هم جمع می شویم، آن را بخوریم.

شیرین هامونی یکی دیگر از بانوانی است که در این جشن شرکت کرده است. کوکی، کیک و تزئین کدو حلوائی کار دست او و دوستانش است. او می گوید: بیش از دوازده سال است



توانستم در دبیرستان نمونه دولتی مطهری پذیرفته شوم و حالا با انگیزه بیشتری درس می خوانم.

● اولین موفقیت علمی ات چه بود؟

در پایه هفتم، در مسابقات انرژای های نوین درباره انرژی زمین گرمایی تحقیق کردم و یک انیمیشن ساختم؛ رتبه اول منطقه تبادلکان را گرفتم.

● اولین کارت در پایه هفتم انجام شده است؛ در پایه هشتم هم فعالیتی داشتی؟

پروژه ای در محور هک و امنیت انجام دادم. یک برنامه شبیه سبد کالا ساختم که روی امنیت ارسال داده کار می کرد. به دلیل وقوع جنگ دوازده روزه و تعطیلی مدارس، نتوانستم برای مرحله استانی آن را ارتقا بدهم.

● ظاهراً پروژه دیگری هم داشته ای؟

پاورپوینتی درباره جست و جوی هوش فرازمینی ارائه دادم که باز هم رتبه اول منطقه را کسب کرد و منتظر اعلام نتایج مرحله استانی هستم.

● هدف ت برای آینده چیست؟

می خواهم در حوزه امنیت سایبری به صورت تخصصی فعالیت و در کنار آن زبان انگلیسی ام را هم تقویت کنم. همچنین تصمیم دارم ورزش تکواندو را شروع کنم.

● در اوقات فراغت چه کار می کنی؟

در کنار مطالعه و کارهای پژوهشی ام به پدر و مادرم کمک می کنم. برای خانواده غذا درست می کنم و از برادرانم مراقبت می کنم.

صبا مصطفی پور، نوجوانی است که تلاش می کند در حوزه امنیت سایبری حرفی برای گفتن داشته باشد

ساخن آینده در دنیای فناوری

امید محله

● از ابتدا به مطالعه و پژوهش علاقه داشتی؟

نه خیلی. درسم خوب بود ولی انگیزه پژوهش نداشتم. تا اینکه تشویق های خانم گرابلی، معلم پایه ششم، تأثیر زیادی بر من گذاشت و باعث شد تلاش بیشتری کنم.

● فرد دیگری هم در مسیر پیشرفت تو نقش داشته است؟

علاوه بر خانم گرابلی، خانم عابدی، مدیر فعلی مدرسه حضرت مریم (س)، بارها منمایی هایش کمک کرد که مسیر درستی را انتخاب کنم.

● نتیجه تلاش های ت چه بود؟

حمیده صفائی اصبا مصطفی پور، دانش آموز پایه نهم مدرسه نمونه دولتی «مطهره»، نقش پررنگی در امور خانه دارد. در نبود پدر و مادرش که هر دو شاغل و در شهرداری مشغول به کارند، صبا هم به آشپزی می پردازد و هم از دو برادر کوچک ترش مراقبت می کند.

آنچه مسیر زندگی این نوجوان ساکن محله کوی امیرالمؤمنین (ع) راویژه کرده، علاقه اش به دنیای کامپیوتر و فناوری اطلاعات است. او با انگیزه و برای تحقق برنامه ای که برای آینده خود در نظر دارد، درس می خواند.

دستاوردهای علمی اش مانند کسب رتبه برتر منطقه تبادلکان در زمینه انرژی های پاک و سوخت های فسیلی در پایه هفتم، کسب رتبه اول منطقه تبادلکان در برنامه نویسی با محوریت هک و امنیت سایبری و همچنین کسب رتبه برتر در بخش پژوهش با موضوع مقاله ای در جست و جوی هوش فرازمینی در پایه هشتم و در سطح منطقه ای، گواه این تلاش هاست.

● چه شد که به حوزه کامپیوتر و فناوری علاقه مند شدی؟

همیشه دغدغه انتخاب رشته مناسب را داشتم. دنبال چیزی بودم که در آینده، حتی با پیشرفت هوش مصنوعی، جایگاه خودش را حفظ کند و کاربردی باشد. بارها منمایی دایی ام که در حوزه لینوکس تحصیل کرده است، به این مسیر علاقه مند شدم.



زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، اینارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت...، عیادی، شهیدفرامرزی عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه‌قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین‌یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر



مجموعه فرهنگی ورزشی پیامبراعظم^(ص)، تنها مجموعه ورزشی محله اسماعیل آباد، سال ۱۳۹۳ تأسیس شد. این مجموعه که کاربرد دو منظوره دارد، درکنار برنامه‌های ورزشی فوتبال و والیبال، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز برگزار می‌کند.

حسینییه حضرت زینب^(س) در سال ۱۳۹۰ برای انجام فعالیت‌ها و مراسم مذهبی بانوان محله ساخته شد. مرکز نیکوکاری کارآفرینی و توانمندسازی «مهر هشتم» نیز در فضای حسینییه قرار دارد که در شناسایی بانوان بی‌سرپرست، نیازمند و توانمندسازی آن‌ها نقش مؤثری ایفا کرده است.

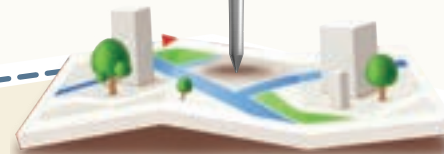


عکس: حسین برادران / شهرا را

تپه‌گاو چران‌ها

حسین برادران فراکوچه شهید نورزهی ۲ واقع در محله اسماعیل آباد، قدمتی حدوداً چهل ساله دارد. نخستین ساکنان آن، خانواده‌هایی کوچ کرده از سیستان و بلوچستان بودند که بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ در این محدوده سکونت کردند. تا قبل از آن و تا دهه ۳۰ در این محدوده، چمنزارهایی وسیع وجود داشت که محل چرای گاوهای بومیان روستا بود. به همین دلیل این محدوده و تپه‌های مشرف به کال به تپه‌گاو چران‌ها معروف بود. این کوچه از زمان الحاق به منطقه شهری به نام شهید نورزهی که یکی از شهدای اهل سنت است، نام‌گذاری شده است.

کوچه شهید نورزهی ۲
محله اسماعیل آباد



مرکز خدمات جامع سلامت روستایی رضائی مقدم راینچ سال قبل، یکی از خیران شهری به یادبود پدرش، حاج قربان رضایی مقدم، ساخته است. در این مرکز، خدمات عمومی سلامت برای ساکنان ارائه می‌شود. اهالی درخواست حضور پزشکان متخصص در این مرکز را دارند اما هنوز محقق نشده است.

دفتر توسعه محله یا همان دفتر تسهیلگری محله اسماعیل آباد در این کوچه قرار داد. اینجا برای رفع مشکلات محله، جلساتی با حضور اهالی و مسئول دفتر تسهیلگری برگزار و راه حل‌هایی ارائه می‌شود.



یکی از دو بوستان محله اسماعیل آباد در این کوچه قرار دارد. این بوستان به وسایل بازی کودکان مجهز بوده و محلی برای دورهمی خانواده‌ها و فرزندان آن‌هاست.